

مدیریت بحران امام خمینی (ره) در دوران جنگ تحمیلی

جمشید محمدی^۱، پرویز احدی^۲

چکیده

این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی و از لحاظ هدف کاربردی به بررسی نقش امام خمینی به عنوان مدیر بحران جنگ می-پردازد. روش جمع‌آوری داده‌ها، بصورت اسنادی و کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ای بوده است و از نظر زمان، تاریخی بوده و از نظر آماری، توصیفی و از لحاظ کنترل متغیرها، غیرآزمایشی است و روایی محتوایی و متنی توسط متخصصان و اساتید صاحب-نظر مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. چرا که رهبران نقش اساسی را در مدیریت بحران‌ها و جنگ‌های بین‌المللی ایفا می-نمایند و امام خمینی نیز به عنوان مدیر بحران‌های بین‌الملل، همواره با عمل به ادای تکلیف الهی و توجه به تعهدات و موازین بین‌الملل و در عین حال، اراده راسخ و خلل‌ناپذیر به اصول و احترام به یک سلسله وظایف شرعی و ارزش محور و برخوردار از رفتار مناسب در محیط اجتماعی و هنجارهای مشترک، با اتخاذ تدبیر استراتژیک، جنگ تحمیلی علیه ایران که پیامد بحران انقلاب اسلامی را به نحو مطلوب اداره و در طول آن به جهان صادر نموده است. استراتژی امام خمینی در عدم هراس از ابرقدرت‌ها موجب پیروزی‌ها و ناکامی دشمنان می‌شد.

واژگان کلیدی: امام خمینی، تحولات بین‌الملل، جنگ، مدیریت بحران.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز (نویسنده مسئول)

^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

مقدمه

انکارناپذیر است زیرا بزرگترین دستاورد علمی امام، تأسیس جمهوری اسلامی است که از رهیافت ایشان به تعامل دین و مدیریت در عصر غیبت سرچشمه می‌گیرد و بی‌تردید این اندیشه، شایسته تأمل، بازشناسی و ترویج است. امام خمینی از طریق تدبیر استراتژیک به مدیریت جنگ تحمیلی ۸ ساله پرداخته است.

نحوه روش تحقیق توصیفی-تحلیلی محتوا است روش تجزیه داده‌ها روش کیفی-توصیفی است. از دیگر سوی، امام خمینی به عنوان یک رهبر دینی در دنیای معاصر آنگونه درخشید که دوست و دشمن به بزرگی این مرد و موفقیت‌اش در رهبری جامعه اعتراف کردند این الگوی رهبری که در زمان معاصر واقع شده است، نزدیک‌ترین منبع برای شناخت الگوی رهبری در اسلام است و با توجه به اینکه مجموع سخنان، نامه‌ها و خاطرات او مضبوط است و نظر به اینکه رویکرد امام به نحوه اداره جامعه از رهیافت-های اسلامی نشأت می‌گیرد، می‌توان با تحلیل آنها به الگوی موفق رهبری در اسلام دست یافت و به این ترتیب بخشی از دانش مدیریت اسلامی را کشف و ارائه نمود. از سویی دیگر با بروز بحران‌های منطقه‌ای در کشورهای همسایه و بروز جنگ داخلی در اکثر آنها این نکته بهتر آشکار می‌شود که هیچ یک از کشورهای منطقه نه از نظر وسعت و نه از نظر جمعیت با ایران قابل مقایسه نیستند (کدی، ۱۳۸۳: ۲۰).

کلیات تحقیق

سوال اصلی: امام خمینی از چه طریقی به مدیریت جنگ تحمیلی پرداخته بود؟

بررسی تاریخی و تحلیلی نقش امام خمینی به عنوان مدیر بحران در جنگ تحمیلی و در مقام قیاس می‌تواند با کشف واقعیت‌ها، توانایی رهبری در هدف‌گذاری و وادارسازی و بهره‌برداری از منابع را در جهت اهداف جنگ و در مهار و تبدیل بحران منطقه‌ای به بین‌المللی تبیین نماید. از آنجائیکه رهبران نقش اساسی در مدیریت بحران‌ها و جنگ‌های بین‌المللی ایفا می‌نمایند و رهبران ایفا کننده نقش‌ها می‌توانند ویژگی‌هایی را داشته باشند، اقدامات رهبران، مبتنی بر انتخاب میان یک یا چندین رشته گزینه-ها با توجه به پیامد سود و زیان و براساس یک فرآیند محاسباتی و عقلانی تصمیم‌گیری می‌کنند. امام خمینی به عنوان رهبر کارزماتیک جمهوری اسلامی ایران با عنایت به شاخص‌های شخصیتی، اسطوره‌ای که با کار بزرگ و تاریخ-ساز خویش جهان را حقیقتاً دگرگون کرد. امام خمینی با عنایت به ادای تکلیف الهی و توجه به تعهدات و موازین بین‌الملل و در عین حال، راسخ خلل‌ناپذیر به اصول و احترام به یک سلسله وظایف شرعی و ارزش محور، برخوردار از رفتار مناسب در محیط اجتماعی و هنجارهای مشترک و مهم تا حدودی در چارچوب تئوری سازه‌انگاری قابل تحلیل و تبیین، عمل می‌کرد. به عبارتی امام خمینی به عنوان رهبر عرفانی و یا بازیگری که در متن اجتماع قرار داشته، و تفسیر هژمونیکیتی از اسلام ناب محمدی تأثیری عمیق در رفتار مردم و بسیج آن در تمامی فرایند انقلاب و بویژه در جنگ تحمیلی داشته است. بازخوانی و تدوین اندیشه‌های نورانی امام خمینی از جمله اندیشه‌های مدیریتی و رهبری ایشان و معرفی آنها به نسل‌های بعدی ضرورتی



همواره با بحران‌های سیاسی مواجه بوده است. بیداری ملت‌های مسلمان در کشورهای عربی، آغازگر تغییرات اساسی در برخی از این کشورها شده است که بی‌شک پیامدهای منطقه‌ای مهمی به دنبال خواهد داشت. تحولات این منطقه از مهمترین مسائل و موضوعات بین‌المللی طی سال‌های گذشته بوده است. بر همین اساس، مطالعه نظری و میدانی بحران‌های سیاسی در دولت‌ها، جامعه مدنی و جنبش‌های اجتماعی در کشورهای عربی بیش از پیش ضرورت پیدا کرده است و برای درک و فهم بیشتر تحولات منطقه حائز اهمیت زیادی است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۸).

در مقاله «مقدمه‌ای بر الگوی مدیریت امام‌خمینی»، می‌نویسد بررسی‌های متفاوتی از انواع رهبران به عمل آمده است. یکی از این معیارها منبع اقتدار رهبران می‌باشد که رهبری کاریزماتیک نیز در چارچوب آن مطرح می‌شود. در مطالعات مربوط به رهبری، برحسب معیارهای مختلف، تقسیم‌بندی دیدگاه ماکس وبر درباره انواع سلطه و اقتدار است و در مباحث مدیریت، ارزش زیادی دارد. البته، از مفهوم رهبری کاریزماتیک ماکس وبر انتقادهای بسیاری شده است، با این حال، این مفهوم ارزش نظری خود را حفظ کرده است و پاسخگوی نیازهای تئوریک مهمی می‌باشد. این مفهوم، به ویژه برای مطالعه جنبش‌های انقلابی اهمیت بسیاری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

نحوه روش تحقیق توصیفی و تحلیل محتوا است روش تجزیه داده‌ها روش کیفی - توصیفی است.

فرضیه اصلی: امام‌خمینی از طریق تدبیر استراتژیک به مدیریت جنگ تحمیلی ۸ ساله پرداخته است.

۱- اهداف پژوهش

بررسی نحوه مواجهه امام‌خمینی بعنوان مدیر بحران بین‌الملل در بحران‌های داخلی و با تأکید بر نوع استراتژی اتخاذ شده در قبال بحران‌های بین‌الملل و پیامدهای آن؛ تبیین ویژگی‌های خاص معطوف به تصمیم‌گیری فوق‌العاده در بحران‌های داخلی و خارجی انقلاب اسلامی و مشخص نمودن دستاوردهای هر یک از آنها؛

تشریح و تصریح دلایل موفقیت امام‌خمینی نسبت به شناسایی، مدیریت و مهار بحران‌های بین‌الملل به ویژه در قبال قدرت‌های شرق و بطور اخص غرب به سرکردگی ایالات متحده آمریکا؛

ارائه الگوی راهکارهای عملی و منطبق با منافع ملی و اسلامی به منظور اتخاذ استراتژی مدبرانه و هوشمندانه و استفاده از ظرفیت‌های سیاست خارجی در منطقه و در جهان.

۲- پیشینه تحقیق

برچر، مایکل (۱۳۸۲)، در کتاب بحران در سیاست جهان، ظهور و سقوط بحران‌ها تلاش کرده تا بحران‌ها را با روش تحقیق برآمده از تجربه‌گرایی جزئی‌نگر تحلیل و بررسی کند. نگارنده در فصل اول کتاب تحت عنوان مفاهیم و الگوها، مفاهیم اصلی این تحقیق (بحران، منازعه و جنگ) را تعریف و روابط میان آنها را بررسی کرده، سپس ادبیات موجود در این زمینه را تحلیل می‌کند.

در کتاب بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه نگارنده اینگونه ذکر می‌کند که: خاورمیانه

متغیر مستقل: امام خمینی به عنوان مدیر بحران بین-الملل

متغیر وابسته: مدیریت جنگ تحمیلی

در اوایل جنگ تحمیلی، تبلیغات رسانه‌های عربی و غربی، حاکی از این بود که این جنگ، جنگ بین اعراب مسلمان و ایرانیان است. حتی تلاش می‌شد تا این جنگ را از جانب عرب‌ها، جنگی مقدس معرفی نمایند. خود صدام حسین هم در مواردی می‌کوشید تا برای تهییج احساسات مردم مسلمان عراق و سرپوش گذاشتن بر ماهیت بیپه‌وده این جنگ، آن را جنگی بین اسلام و ایرانیان مجوس معرفی نماید. به هر حال، وی تلاش می‌کرد، ماهیتی معنوی نیز به جنگ بدهد تا مردم منطقه و کشورش با نگاهی قداست-گونه با این جنگ برخورد نمایند. در چنین اوضاعی، امام خمینی با درک ماهیت واقعی جنگ، به بیان این ماهیت پرداختند. ایشان این جنگ را نه جنگ برای خاک و سرزمین، بلکه جنگی بین اسلام و کفر قلمداد کردند. «این جنگ، جنگ با اسلام است به هواداری کفر و یک چنین جنگی برخلاف رضای خداست» (موسوی خمینی الف)، (۱۳۶۱: ۳۵). ایشان، این جنگ را اختلاف بین دو حکومت به همان روالی که در سایر مناطق دنیا جاری بود، نمی‌دانستند، بلکه ماهیت معنوی و در واقع جبهه‌بندی اصلی این جنگ را حق و باطل معرفی می‌کردند و در عین حال، در جایگاه یک رهبر دینی که بخش عظیمی از مردم مسلمان ایران از دستوراتشان، تبعیت می‌کردند، حضور در جبهه را فرض می‌دانستند (اسپوزیتو، ۱۳۸۶: ۵۷). در واقع ایشان با صدور حکم ضرورت حضور مردم در جبهه‌ها، جنگ را از حالت اختلاف صرف بین دو حکومت خارج

ساختند. امام خمینی با اعتقاد به وجوب دفاع تا رفع تجاوز و تنبیه متجاوز، و با تأکید بر کذب صلح‌طلبی صدام با توجه به شرایط موجود و عدم قبول شرایط ایران توسط رژیم عراق، پذیرش صلح و آتش‌بس را غیرممکن دانسته امام خمینی در نهایت، با رد ادعاهای صلح‌طلبی صدام، بر صلح شرافت‌مندانه اسلامی تأکید کرده و آن را صلحی می‌دانند که در درجه اول، طرف خاطی مجازات شود و بعد، طرفین بسیار به هم نزدیک شده و برادر شوند؛ ولی صدام که هیچ اعتمادی به او نیست و هر لحظه ممکن است که بعد از صلح، با بهتر شدن شرایطش باز به ایران حمله کند، صلح با او معنا ندارد (حسین‌زاده، ۱۳۸۹: ۸۹). ایشان از یک طرف، شکست ایران در این جنگ را شکست اسلام دانسته و از طرف دیگر، ضرورت دفاع از اسلام را امری ضروری و حیاتی می‌دانند، و می‌فرمایند: «اگر خدای نخواست در ایران، اسلام شکست بخورد، شکست اسلام تا قرن‌ها بعد جبران نخواهد شد، این چیز واضحی است» (موسوی-خمینی الف)، پیشین: ۲۸۸).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد بحران‌ها و تهدیدات بسیار خطرناکی می‌باشیم که امام خمینی با هوشمندی و اعتماد به نفس و با استعانت از قدرت بی‌منتهای الهی و با پشتیبانی مردم متدین موفق به اداره این بحران‌ها گردید. از قبیل؛ بحران‌های قومی و منطقه‌ای، اشغال سفارت آمریکا در تهران، انقلاب فرهنگی، عزل اولین رئیس‌جمهور، جنگ مسلحانه گروه‌های مخالف، ترورهای بعد از انقلاب و طراحی کودتا علیه انقلاب، وقوع جنگ تحمیلی ۸ ساله که دارای ابعاد بین‌المللی بود و وقایعی همچون کشتار حجاج ایرانی در مراسم براهت از مشرکین، قتل عام فجیع مردم حلبچه در



خاص خود، به بهترین شکل عمل کرد. در جائیکه بنی‌صدر توانست رأی اول را در انتخابات ریاست جمهوری بدست آورد، حکم او را در بیمارستان تنفیذ کرد و در عین حال به او تذکر داد تا ما بین قبل و بعد از ریاست جمهوری، در اخلاق روحی‌اش تفاوتی ایجاد نشود. در هنگامی که بنی‌صدر، سید احمد خمینی را برای پست نخست وزیری برگزید، با این مسأله مخالفت کرد و در نهایت هنگامی که از اهداف اصلی انقلاب اسلامی دور شد و مجلس نیز رأی به عدم کفایت سیاسی او داد، بنی‌صدر را از ریاست جمهوری

اسلامی ایران، عزل کرد (حاجتی، ۱۳۸۲: ۷۶).

نمونه دیگر آغاز تهاجم نظامی عراق علیه ایران است. حمله ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ برق‌آسا بود و نفس را در بسیاری سینه‌ها حبس می‌کرد. حتی برخی دولتمردان آن روز کشور هم نشانه‌هایی از ناامیدی را در گفته‌ها و لحن‌شان بروز می‌دادند. در آن برهه خطیر بود که صفحه‌های تلویزیون امام‌خمینی را نشان دادند؛ آرامش امام از میان کلمات ساده و صمیمی‌اش به قلوب تک تک مردم ایران جاری شد. همین طمانینه و آرامش بود که جنگ ۸ ساله تحمیلی را به حماسه‌ای باشکوه و الگوساز برای ملت‌های مسلمان و نیز کارگاهی عظیم برای ساخته شدن کادرهای مدیریت اجتماعی و پیشرفت‌های شگرف علمی و تکنولوژیک تبدیل ساخت. آن روز در ذهن مغرور صدام و حامیانش چنین می‌گذشت که کار انقلاب اسلامی به سه روزی، هفته‌ای و یا حداکثر یک ماهی پایان می‌پذیرد. اما امام بود که از سرنوشت شوم صدام خبر و حذر می‌داد و آینده را از آن انقلاب رهایی‌بخش اسلامی، مسلمانان به پاخته و مستضعفان جهان معرفی می‌کرد.

جریان بمباران شیمیایی این شهر (از سوی هواپیماهای عراقی)، کشتار بی‌گناهان در بمباران‌های وسیع مناطق مسکونی، حضور ناوگان‌های دریایی آمریکا و اروپا در خلیج فارس در حمایت از صدام، هدف قرار دادن هواپیماهای مسافری ایران بر فراز خلیج فارس به وسیله نیروهای نظامی آمریکا و سرانجام در داخل نیز عزل قائم مقام رهبری و بازنگری قانون اساسی، از دیگر مسائلی است که نمایانگر درایت و توانایی امام‌خمینی در قبال مسائل پیچیده و بحران‌های مختلف است.

با مروری اجمالی بر تحولات سیاسی و حیاتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، می‌توان دو خصلت در شیوه رهبری امام، به خوبی مشاهده کرد؛ در واقع مدیریت صحیح، تدبیر، بهره‌گیری از نظرات مشورتی بزرگان انقلاب و از همه مهمتر شجاعت بود. ایشان در زمانی که می‌بایست با تأسیس نهادها و ارگان‌های سازمان‌بخش، از هرج و مرج طبیعی پس از هر انقلابی جلوگیری می‌کرد، با تأسیس نهادهایی چون شورای انقلاب، کمیته‌های انقلاب، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دادگاه‌های انقلاب و ... در این جهت اقدام کرد. هنگامی که می‌بایست برای تثبیت جمهوری اسلامی ایران بر تصویب قانون اساسی، برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و مجلس، اصرار می‌ورزید، در همین راستا عمل کرد.

در زمانی که هرگونه اختلاف و چندگانگی در میان مسئولین کشور، آفتی در راه تحکیم انقلاب اسلامی به شمار می‌آمد، به محض بروز اختلافات، مسئولین و گروه‌های سیاسی را به وحدت کلمه دعوت می‌نمود. نمونه بنی‌صدر نیز از جمله مواردی است که امام‌خمینی در زمان

امام در مدیریت جنگ ایران و عراق

رهبری بی‌بدیل ایشان در هر مرحله‌ای از مراحل بحران‌ها، جلوه‌های متفاوتی از مدیریت بحران که بروز می‌کرد نقش متنوعی را ایفا نمودند و از ابزارهای ارزشی و جدیدی استفاده می‌کردند و زمینه‌های ظهور فرآیندهایی ایجاد شده که توانست بخش قابل توجهی از ویژگی‌های ساختار نظام دوقطبی را مواجهه نماید. در روند فرایند جنگ ایران و عراق نقش مدیریتی امام خمینی در مهار بحران نشان داد که مقاومت ایران از جمله مولفه‌هایی بود که برخی از فشارهای نظام بین‌الملل را بی‌اثر ساخته بود از جمله این موارد توافق و تشریک مساعی شرق و غرب و اجماع در صدور قطعنامه‌های شورای امنیت و تلاش برای انزوای ایران و تحریم‌های تسلیحاتی ایران اشاره کرد که هر یک از این اقدامات هوشمندانه امام خمینی را می‌توان به عنوان یکی از الگوها و نشانه‌های مدیریت بحران در منازعات بین دو کشور، منطقه‌ای و بین‌المللی دانست. تداوم چنین الگوی مدیریت بحران، جلوه‌هایی از سیاست یکپارچگی، متقاعدسازی، مقابله‌جویانه و حتی موازنه‌سازی و بازدارندگی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

واکنش امام نسبت به حمله عراق به ایران

امام خمینی در اولین واکنش‌های خود نسبت به تجاوز عراق به ایران، از یک طرف ملت ایران را به خونسردی دعوت کرده و از طرف دیگر صدام را به دزدی که سنگی را انداخته و فرار کرده تشبیه می‌کند. از آنجائیکه امام خمینی که روند حوادث از مقابل نگاه دوراندیش ایشان عبور می-

کرد، تیزبینانه و به خوبی دریافتند که عامل اصلی در این تهاجم سراسری، آمریکا است (موسوی خمینی (الف)، پیشین: ۲۳۹).

عمق تحلیل امام خمینی در تداوم جنگ به خوبی عظمت بیان سرشار از هوش محیطی وی را به اثبات می‌رساند که آمریکا و متحدان غرب و منطقه‌ای به رغم سیاست پیدا و پنهان خود، در سال‌های پایانی جنگ دست خود را رو کردند و حمایت‌های بی‌شماری از هر حیث از رژیم عراق آشکار نمودند (موسوی خمینی (ب)، ۱۳۶۲: ۲۲۴). ایشان ایمان و توکل به خدا را بزرگترین پایه‌های استوار قدرت و توانایی بی‌انتهای می‌دانستند مردم ایران را به آرامش دعوت کرده و از آنها می‌خواهند. «من از ملت بزرگ ایران خواهانم که در هر مسأله‌ای که پیش می‌آید، قوی باشند، قدرتمند باشند، متکی به خدای تبارک و تعالی باشند و از هیچ چیز باکی نداشته باشند که ما از آن قدرت‌های بزرگ نترسیدیم. این (صدام) که قدرتی ندارد، عراق که چیزی نیست» (موسوی خمینی (ج)، ۱۳۶۳: ۲۳۲).

امام خمینی به عنوان مدیر بحران، خود را مسئول می‌دیدند تا با کوچک شمردن حادثه، به مردم ایران قوت قلب داده و آرامش و امنیت را در جامعه برقرار سازند. با گسترش ادامه جنگ و تداوم تجاوزات عراق به ایران، امام خمینی از سویی صدام را یک دیوانه، و کار او را دیوانگی دانسته و از طرف دیگر، باتوجه به دیدگاهشان در مورد جنگ و تقسیم جنگ به دوگونه حق و باطل، جنگ ایران و عراق را جنگ اسلام و کفر دانسته و بر ضرورت دفاع از اسلام تأکید می‌کنند (فولر، ۱۳۸۷: ۶۴).



۵- جهان اسلام مبارزه با مشرک‌ها و بی‌عفتی‌ها و چپاول‌ها و بیدادگری‌ها و ستمکاری‌هاست.

لذا امام خمینی با ذکر این خصوصیات، بین نیروهای ایران و نیروهای عراق تمایز قائل شده و صدام و صدامیان را کسانی می‌داند که خود را سردار قادسیه می‌نامند ولی رمز پیروزی قادسیه و مومنان صدر اسلام را باز نیافته‌اند و قدرت ایمان و شهادت‌طلبی را نفهمیده‌اند، به همین خاطر باید شکست بخورند و گوشمالی ببینند. آنها باید از مردم ایران که در حال جنگیدن برای اسلام و حفظ سرزمین اسلام هستند شکست بخورند چون: «مردم ایران ... برای حفظ اسلام و کشور اسلامی و رسیدن به لقاءاله دفاع می‌کنند و فرق است بین این عزیزان و گول‌خوردگان که برای مقاصد پلید آمریکا و وابستگان آن به جنگ بر ضد اسلام و قرآن مجید برخاسته‌اند» (دوانی، ۱۳۷۹: ۳۱).

امام خمینی پس از ایجاد تمایز بین ایران و عراق و معرفی جنگ این دو کشور به عنوان جنگ حق و باطل، از یک طرف مردم ایران را به مقابله در برابر تهاجمات دشمن فراخوانده و از آنان می‌خواهد تا از مملکت، نوامیس خود، و از همه مهمتر، از اسلام دفاع کنند؛ و از طرف دیگر، ایشان حساب ملت عراق را از دولت بعثی صدام جدا کرده و آنها را نیز به مقابله با آن رژیم بعثی فرا می‌خوانند. ایشان ملت عراق را برادر دینی مردم ایران دانسته و می‌فرمایند: ما اگر جوابی به او بدهیم، هرگز به ملت عراق، که برادر ما هستند، مربوط نیست (موسوی خمینی (الف)، پیشین: ۱۶۳).

امام خمینی و تدافعی بودن موضع ایران در جنگ

بنابراین امام با مشخص کردن خصوصیت اصلی جنگ ایران و عراق، ایران را دارالاسلام دانسته و برحسب ضرورت دفاع از اسلام، دفاع از آن را امری واجب عنوان می‌کنند، لذا ایشان در پیامی به مردم ایران، آنها را به مقاومت فراخوانده و می‌فرمایند: «اکنون، شما ای ملت بزرگ اسلامی ایران، بر سر دو راهی می‌باشید؛ راه سعادت و افتخار ابدی در سایه پرافتخار جهاد برای خدا و دفاع از کشور اسلام، و راه ذلت و ننگ ابدی؛ اگر خدای نخواست در این جهاد مقدس سستی و سردی از خود نشان دهید» (موسوی خمینی (د)، ۱۳۶۴: ۲۳۸).

از دیدگاه، امام خمینی تمایز میان جنگ ایران و عراق، اصل این تمایز را در تفاوت ناشی از جنگ در اسلام و جنگ بیرون از اسلام می‌پردازند:

- ۱- جنگ در دنیا برای این است که آنها می‌خواهند جهان را برای منافع شخصی خود بگیرند؛ اسلام جهان را برای نفع خود جهانیان می‌خواهد مسخر کند.
- ۲- آنها جهان را گرفتند، بی‌عدالتی‌ها و بی‌عفتی‌ها را پخش کردند؛ اسلام، جهان را برای نشر عدالت و احکام خردمندانه خدایی می‌گیرد.
- ۳- آنها جهان را برای زندگانی مادی سراسر ننگین خود می‌خواهند و می‌گیرند؛ اسلام جهان را برای زندگانی معنوی و آماده کردن جهانیان برای زندگانی سراسر سعادت و پرافتخار آن جهان می‌خواهد بگیرد.
- ۴- آنها تمام جان و مال مردم را فدای نفوذ و استراحت خود می‌کنند، اسلام از سران و سرداران خود راحتی را سلب می‌کند برای حفظ جان و مال توده و برانداختن اصول بیدادگری و دیکتاتوری از جهان.

محافظت کنند و استقلال آن را پابرجا نمایند» (همان، ۱۳۸).

ایشان درباره جنگ ایران و عراق، موضع ایران را تدافعی دانسته و معتقدند جمهوری اسلامی در جنگی که بر آن تحمیل شده است مدافع است نه مهاجم، لذا امام، ایران را کشوری صلح‌دوست می‌دانند که با هرگونه جنگ‌طلبی و کشورگشایی مخالف است و اگر امروز در برابر عراق می‌جنگد، به خاطر ضرورت دفاع می‌باشد: «ما صریح می‌گوئیم که ما ابداً نظر نداریم به اینکه به یک کشوری تعدی بکنیم. ما از خودمان دفاع می‌کنیم» (موسوی خمینی(ج)، پیشین: ۱۶۶). بنابراین امام خمینی با توجه به اینکه معتقدند دفاع نیازی به اذن و اجازه ندارد، می‌فرمایند: «احدی از مسلمین، احدی از علمای اسلام نیست که بگوید دفاع در اسلام نیست. دفاع هیچ احتیاج به ولی ندارد، هیچ احتیاج به یک امامی ندارد. تمام مسلمین اگر یک وقت بنا شد برایشان حمله بشود، خودشان باید دفاع کنند، و در این امر مستقل‌اند» (موسوی خمینی(د)، پیشین: ۳۲).

اهمیت جنگ ایران و عراق از منظر امام خمینی

ایشان اهمیت این جنگ را از فروع دین بیشتر دانسته و می‌فرمایند: «قضیه جنگ امروز برای همه ما اهمیت‌اش بیشتر از فروع دین است. این طور نیست که جنگ مثل امر جنگی باشد که دیگران با دیگران می‌کنند. جنگی است که اسلام در مقابل کفر، در مقابل نفاق انجام می‌دهد و این جنگ یک تکلیف شرعی است که مردم ادا می‌کنند» (استراوس و کریبن، ۱۳۹۲: ۸۹). ایشان از یک طرف، شکست ایران در این جنگ را شکست اسلام دانسته و از

دیدگاه‌های امام در مورد جنگ ایران و عراق و موضع ایران در آن برگرفته از دیدگاه‌های فقهی ایشان در این مورد می‌باشد. به طور کلی، امام در دیدگاه‌های فقهی خود، قائل به دوگونه جنگ در اسلام بوده و آنها را به عنوان جنگ تهاجمی (جهاد) و جنگ تدافعی (دفاع) نام می‌بردند. ایشان در مورد این دو نوع جنگ، قائل به تمایز بوده و در ذکر هر یک از آنها می‌فرمایند: «جهاد که عبارت از کشورگیری و فتح ممالک است، پس از آنکه دولت اسلامی با وجود امام یا به امر امام تشکیل شود و در این صورت، اسلام بر تمام مردان، که به حد بلوغ رسیده باشند و افتاده و عاجز نباشند و مملوک که از افراد اجانب است نباشند، واجب کرده است که برای کشورگیری حاضر شوند و قانون اسلام را در سرتاسر ممالک جهان منتشر کنند» (مهدی‌زاده، پیشین: ۳۳).

در مورد جنگ عراق علیه ایران نیز بیان می‌دارند که: «کشور ایران مستقلاً، ولو اینکه ولی فقیه هم نگوید، ولو اینکه علما هم نگویند با اینکه می‌گویند همه مردم ملکف شرعی هستند به اینکه دفاع کنند و حکم عقل‌شان این است که از کشور خودشان، از ناموس خودشان، از مال خودشان دفاع کنند» (موسوی خمینی(ب)، پیشین: ۱۳۶) در مورد دفاع هم می‌فرمایند: «قسم دوم از جنگ اسلامی که به نام دفاع اسم برده شده و آن جنگیدن برای حفظ استقلال کشور و دفاع از اجانب است، به هیچ وجه مشروط به وجود امام یا نایب امام نیست و کسی از مجتهدین نگفته که دفاع را باید با امام یا جانشین آن کرد، بلکه بر تمام افراد توده واجب است به حکم اسلام از کشور اسلامی



دفاع بودند، تا شاید اسلام بتواند از دست آنها مصون بماند؛ زیرا آنها هر موقع فرصت پیدا کنند علیه اسلام و کشور اسلامی توطئه خواهند کرد، پس باید در مقابل آنها دفاع کرد و این دفاع را تا غلبه نهایی بر آنها ادامه داد.

نقش امام در مدیریت بحران جنگ ایران و عراق

نقش رهبری بی‌بدیل امام در هر مرحله‌ای از معادلات قدرت، جلوه‌های متفاوتی از مدیریت بحران که بروز می‌کرد نقش متنوعی را ایفا نمودند و از ابزارهای ارزشی و جدیدی استفاده می‌کردند و زمینه‌های ظهور فرایندهایی ایجاد شده که توانست بخشی یا قابل توجهی از ویژگی‌های ساختار نظام دوقطبی را مواجهه نماید. در روند فرایندهای جنگ ایران و عراق نقش مدیریتی امام در مهار بحران نشان داد که مقاومت ایران از جمله مولفه‌هایی بود که برخی از فشارهای نظام بین‌الملل را بی‌اثر ساخته بود از جمله این موارد توافق و تشریک مساعی شرق و غرب و اجماع در صدور قطعنامه‌های شورای امنیت و تلاش برای انزوای ایران و تحریم‌های تسلیحاتی ایران اشاره کرد هر یک از اقدامات و نقش‌های امام می‌تواند یکی از الگوها و نشانه‌های مدیریت بحران در منازعات بین دو کشور و منطقه‌ای و بین‌المللی دانست تاووم چنین الگوی مدیریت بحران، جلوه‌هایی از سیاست یکپارچگی، متقاعدسازی مقابله‌جویانه و حتی موازنه‌سازی و بازدارندگی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. با تأثیر از عوامل مختلف داخلی و محیطی چون بحران‌های ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی علیه رژیم طاغوتی و از همه مهمتر مورد حمایت همه‌جانبه غرب به سرکردگی آمریکا بوده است. بطوریکه رابطه این جنگ تحمیلی ۸ ساله با انقلاب

طرف دیگر، ضرورت دفاع از اسلام را امری ضروری و حیاتی می‌دانند و می‌فرمایند: «اگر خدای نخواست در ایران، اسلام شکست بخورد، شکست اسلام تا قرن‌ها بعد جبران نخواهد شد، این چیز واضحی است» (موسوی خمینی(ب)، پیشین: ۲۸۸).

مشخص شد که امام موضع ایران را در جنگ عراق علیه ایران، موضعی تدافعی دانسته و معتقدند که در تمام مراحل جنگ، این موضع حالت خود را حفظ کرده و هیچگاه به جنگ تهاجمی مبدل نشده است. به عبارت دیگر، ایشان معتقدند که اگر در اثنای جنگ، پیروزی‌هایی نصیب نیرو-های جمهوری اسلامی می‌شد، این پیروزی‌ها در ادامه همان موضع دفاع بوده و هیچ وقت قصد و انگیزه‌ای برای کشورگشایی و تصرف خاک عراق در کار نبوده است. چون به فرموده خود ایشان، ما اهل جنگ نیستیم که بخواهیم برویم یک کشوری را بگیریم یا کشورگشایی کنیم. سخن ایشان در مورد فتح فاو توسط نیروهای جمهوری اسلامی، کاملاً در تأیید همین مسأله می‌باشد، بگونه‌ای که می‌فرمایند: «فاو مرکز این بود که بریزند و از آنجا به اسلام صدمه بزنند. خوب! اینها رفتند فاو را گرفتند دفاع کردند» (موسوی خمینی(الف) پیشین: ۶۸). الان هم که ما وارد شده‌ایم در خاک عراق، برای دفاع است، نه برای چیز دیگر (موسوی خمینی(ب)، پیشین: ۳۶۳).

بنابراین ایشان در تمام مراحل جنگ، ایران را در موضع تدافعی دانسته و معتقد بودند که اگر در مقابل نیروهای کفر (عراق) دفاع نشود و بر آنها صدمه وارد نشود، اسلام از جانب آنها در امان نخواهد بود. لذا، امام معتقد به شکست دادن نیروهای دشمن و صدمه وارد کردن به آنها در حین

ناشی از آن و نقش رهبری و تدبیر استراتژی امام خمینی در مدیریت بحران‌های بین‌الملل به خصوص جنگ تحمیلی را تحلیل و بدرستی تبیین کرد (دلاور، ۱۳۸۵: ۲۴۳).

تدبیر استراتژیک امام خمینی پس از شروع جنگ

۱- بسیج همگانی و سازماندهی مردم و نیروهای مسلح تحت دو یگان عمده رزمی و پشتیبانی برای آنکه کلیه نیروهای داوطلب بتوانند در حد توانایی‌ها و استعدادها خویشتن در این امر مهم سهیم باشند، اما اقدام به این مهم نمودند و در این رابطه فرمودند: هر کس می‌تواند جبهه باید برود و هر که نمی‌تواند در پشت جبهه کمک کند.

۲- توسعه تشکیلاتی نظامی و فرمان بر تشکیل نیروهای سه‌گانه سپاه این امر موجب شد تا سپاه بتواند با هماهنگی بیشتر با نیروهای ارتش، در عرصه‌های نبرد حضور قوی‌تری داشته باشند.

۳- هماهنگی و انسجام در نیروهای مسلح همانگونه که در اندیشه سیاسی امام خمینی وحدت و یکپارچگی اقشار مختلف ملت و احزاب گوناگون عامل پیروزی ملت ایران به شمار می‌آید. انسجام نیروهای نظامی را نیز ضامن اقتدار نیروهای مسلح در دفاع مقدس می‌دانست. از اینرو امام خمینی به نیروهای ارتش، سپاه و بسیج فرمود: همه در هم ذوب شوید و تو و من را از میان بردارید و چون ید واحد و قدرت واحد به دشمن بتازید.

۴- هماهنگی و به کارگیری امکانات پشت جبهه امام نیرو-های پشت جبهه اعم از دستگاه‌های اجرایی و تبلیغی و سیاسی را به هماهنگی با یکدیگر و توجه به مسائل جنگ دعوت می‌کردند و کلیه فعالیت‌های سیاسی، تبلیغی و

اسلامی گسست‌ناپذیر است. سقوط رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی منافع آمریکا را به مخاطره به ویژه ماهیت اسلامی، نه شرقی و نه غربی، مردمی بودن انقلاب، گسترش آن در منطقه ممکن ساخت این ارزیابی و پیش‌بینی درباره صدور انقلاب اسلامی در سطح منطقه، نگرانی عمیقی و درد اندیشانه‌ای را در سطح بین‌الملل بوجود آورد که تلاش برای اعاده نظم پیشین یا توافق بیان نشده بین‌المللی و بین ابرقدرت‌ها به رغم اختلافات برای دفاع از وضع موجود قابل تأمل و بررسی است.

امروزه جامعه جهانی تلاش می‌کنند جنگ ایران و عراق را مبین فرد یا جمع و حتی امری شخصی و از نظر زمانی و مکانی مقطعی تلقی نمایند. از جمله در توجیه و ترغیب صدام علیه انقلاب اسلامی ایران و جنگ ۸ ساله تحمیلی را ناشی از اختلاف شخصی صدام و امام و یا تنها با تأکید بر اختلافات مرزی با اهداف و مقاصد مشخصی و محدود مطرح و تقلیل نمایند اینگونه روش‌ها در مطالعه جنگ ایران و عراق بدون لحاظ سایر مولفه‌های تأثیرگذار بیشتر به قصد گرفتن نتیجه کاربردی و دلخواه در عرصه‌های خاص سامان داده می‌شوند که کمترین الگوی بیدارگونه و مشتاقان حقیقت‌جو را برنپانگیزاند. باید نقش مدیریتی امام با اندیشه اسلامی که شامل جهاد، مبارزه با تکیه بر شهادت و فراخواندن و بسیج مردم به صحنه سیاسی، اجتماعی که استمرار دوران انقلاب اسلامی و سپس متقاعد ساختن بسیج مردم به مقاومت در برابر تجاوز نه به ظاهر عراق بلکه حامیان ارتجاعی و مالی فرامین منطقه‌ای و به سرکردگی همه ابرقدرت‌ها و آمریکا و تحولات بین‌المللی معاصر را شناخت تا ماهیت جنگ تحمیلی ایران و عراق و بحران‌های



امام خمینی بر اجرای عملیات‌های نظامی و دفاعی و ورود به خاک عراق، اقدامات مقابله به مثل در جنگ شهرها و قبول قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل بر همین اصل و اساس استوار بود.

۷- تفویض اختیارات گسترده و تخصصی بودن امور جنگ باعث شده بود که امام خمینی مسئولیت برخی از مسائل اجرایی و کارشناسی مرتبط با جنگ را به مسئولان کشور تفویض نماید و خودشان سیاست کلی و راهبردی دفاع مقدس را ترسیم و بر انجام آنها نظارت می‌کردند از اینرو، مسئولیت را بدینگونه تفویض و تعیین فرمودند: الف) شورای عالی دفاع و قرارگاه خاتم‌الانبیا و جانشینی فرماندهی کل قوا در برنامه‌ریزی‌های نظامی؛ ب) شورای عالی پشتیبانی جنگ برای جذب نیرو و تهیه امکانات؛ ج) تشکیل ستاد مناطق بمباران شده؛ د) تعیین وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی برای تبیین سیاست‌های دفاعی ایران در مجامع بین‌المللی؛ ه) تشکیل شورای عالی بازسازی مناطق جنگی.

۸- تشویق به نبرد هنر مدیریت و رهبری امام خمینی، نفوذ معنوی ایشان در قلب میلیون‌ها انسان مخلص و متعهد و شیفته به ولایت و رهبری بود. هرگاه پیام‌های حماسی و شورآفرین امام خمینی همانند جمله‌های: امروز روز حضور در حمله جهاد و شهادت و میدان نبرد است؛ روز نشاط عاشقان خداست صادر می‌شد، همه جبهه‌های نبرد را از جوانان پرشور و با اخلاص آکنده می‌ساخت.

۹- تقویت روحیه رزمندگان کلمات دلنشین و نافذ و روح‌بخش پیام‌ها و سخنان امام در دل و جان رزمندگان اثر شگرفی می‌گذاشت، سخنرانی‌های ایشان در جمع

اقتصادی پشت جبهه را با دفاع مقدس مرتبط می‌ساختند و همواره ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی را در جهت تقویت و آمادگی رزمی مردم و پشتیبانی از جنگ به کار می‌گرفتند و می‌فرمودند: به پشتیبانی مادی و معنوی خود از جبهه‌های نبرد و رزمندگان ادامه دهند و سپاهیان نور را حمایت کنند.

۵- مقابله با عوامل بازدارنده داخلی و تبلیغات دشمن در دوران دفاع مقدس حوادث گوناگونی پدید می‌آورد، برخی از این حوادث مانند رقابت‌های جناح‌های مختلف در کشور معلول شرایط سیاسی داخلی کشور بود که بعضاً ملت‌هت می‌ساخت، و برخی دیگر نتیجه اعمال گروه‌های ناآگاه داخلی بود و هرکدام از این حوادث به طور مستقیم یا غیرمستقیم می‌توانست در حضور رزمندگان اسلام برای ادامه دفاع مقدس بحران ایجاد نماید. اما امام با تدبیر استراتژی نوین، تأثیر منفی و شکننده هر یک از این حوادث را بر عرصه‌های نبرد و روحیه رزمندگان اسلام خنثی می‌کرد. دشمن نیز با در اختیار داشتن امکانات امپراتوری خبری جهانی و رسانه‌ای با کمک مشاوران خارجی و بهره‌وری از امکانات منطقه‌ای، جنگ روانی خود را برای مشوش جلوه‌دادن چهره جمهوری اسلامی به راه انداخته بود.

۶- رعایت اصول تصمیم‌گیری امام خمینی اطلاعات و اخبار کافی و لازم را از طریق نمایندگان خود در نیروهای مسلح و یگان‌های رزمی و فرماندهان قرارگاه‌ها به دست می‌آوردند. امام خمینی مبنای تصمیم‌گیری‌های مهم خود را براساس اطلاعات دقیق از وضعیت جنگ و مشورت با مسئولان لشگری و کشوری بنیان می‌نهاد، رهنمودهای

این حضور معنوی در روحیه و عملکرد رزمندگان کاملاً مشهود و ملموس بود. این موضوع شگفتی صاحب‌نظران، راویان و گزارشگران حاضر در جبهه را برانگیخته بود.

مدیریت امنیت ملی

مدیریت امنیت ملی یا مدیریت امنیتی، در وجه حداقلی و به عنوان شرط لازم، مستلزم مدیریت تهدید یا تهدید ملی در جهت رفع و یا تبدیل آن به فرصت است. همچنانکه، در بعد درونی متوجه رفع آسیب‌پذیری‌ها و ممانعت از تبدیل آنها به فرصتی برای فعلیت یافتن تهدیدات بیرونی است. این مدیریت در وجه سنتی و تا پیش از پایان جنگ سرد، عمدتاً مبتنی بر وجوه سخت‌افزاری و نهادی دفاع ملی-امنیتی همچون توان فیزیکی و سخت‌افزاری (قدرت اقتصادی و نظامی) و زیرساخت‌های ملموس آن همچون نظریه استراتژیک، ساختار نیروها، اطلاعات، انتخاب تسلیحات و مانند آنها می‌شد. این چیرگی عمدتاً ناشی از تسلط پارادایم واقع‌گرا در عرصه مفهومی و مطالعاتی امنیت و استراتژی بود که آثار خود را در عرصه عملیاتی دفاع و امنیت ملی و مدیریت این عرصه بر جای می‌گذاشت و به طور متقابل، مدیریت سخت‌افزارانه امنیت ملی نیز موجب قوام و تداوم برداشت واقع‌گرا از مفهوم امنیت ملی می‌شد (سیلورمن، ۱۳۷۹: ۲۹۲).

آنچه آزر و مون درخصوص وجوه نرم مدیریت امنیت ملی عنوان می‌کنند و می‌تواند مبنایی برای شکل‌گیری مدیریت نرم دفاع ملی نیز به شمار آید، در واقع، شامل بستر پشتیبان مدیریت دفاع ملی (مشروعیت) و تسهیل‌کننده آن، زیربنای اجتماعی و فرهنگی نظام مدیریت دفاع ملی

فرماندهان قرارگاه‌ها و رزمندگان دلاور و پیام‌هایی که به مناسبت‌های مختلف برای رزمندگان صادر می‌گردید، قوت قلبی برای دلاورمردان جبهه‌ها بود. پیام امام به فرماندهان جبهه پس از عملیات بدر، بارزترین نمونه تأثیر معنوی پیام‌های امام در تقویت روحیه رزمندگان و فرماندهان در بحرانی‌ترین شرایط جنگ است.

۱۰- توجه دادن رزمندگان به معنویت، دائماً رزمندگان و فرماندهان قرارگاه‌ها را به مسائل معنوی توجه می‌داد تا حماسه‌سازی رزم‌آوران عرصه پیکار با عرفان دینی و الهی آمیخته باشد. توجه دادن رزمندگان به اراده و قدرت خداوند تبارک و تعالی در پیروزی و جنگ، و تأکید بر ذکر خداوند و تهجد در جبهه‌ها، پرهیز دادن از غرور و توجه دادن نیروها به توانایی‌های قدرت ایمان و اخلاص در رزمندگان در مقابل تجهیزات دشمن از جمله تذکرات امام به رزمندگان بود.

۱۱- اهتمام فراوان امام بر تقویت بنیه دفاعی و حمایت‌های ایشان از بالا بردن کیفیت و کمیت امکانات و تجهیزات نظامی و تأمین بودجه‌های جنگ در اولویت اول و دفاع مقدس از خصوصیات تدبیر رهبری ایشان در دفاع مقدس بود. این اهتمام تا روزهای پایانی جنگ نیز ادامه داشت و در تجهیز کلیه آحاد و افراد این کشور براساس اصول و خاص مدیریتی دفاع همه‌جانبه تا رسیدن به تشکل واقعی ارتش بیست میلیونی بسیج کوشش نمود. تأثیر ارتباط معنوی امام با رزمندگان در ۸ سال دفاع مقدس به خصوص در خطوط نبرد جبهه‌های جنگ علیرغم عدم حضور فیزیکی، شخصیت پرنفوذ و معنوی و عرفانی ایشان هر روز در تمام نقاط جبهه حکمفرما بود و تأثیرات عمیق و شگرف



والت در این بحث، به این پرسش اساسی می‌پردازد که چرا دولت‌های انقلابی، تقریباً بلافاصله پس از کسب قدرت، درگیر جنگ خارجی می‌شوند؟ وی در پاسخ معتقد است چون انقلاب‌ها سطح ابهام و تهدیدات متصور را هم در میان رژیم‌های انقلابی جدید و هم در میان همسایگان، افزایش می‌دهند، احتمال قوی وجود دارد که ظهور رژیم‌های انقلابی جدید، توازن قدرت و انتظارات پیشین را بر هم بزند و به منازعات بین‌المللی منجر شود (برچر، پیشین: ۲۰۷). این روایت، چنانکه گفته شد، نوعی تبیین علی است، اما در این مقاله به روایت تفهیمی امام از این نسبت می‌پردازیم. انقلاب، تحول سیاسی است که طی آن تعداد بی‌شماری از مردم، تحت شرایط خاصی، حوزه خصوصی خانه‌هایشان را رها می‌کنند و در تعقیب تمایلات فردی، وارد عرصه عمومی و عمل جمعی می‌شوند. اینکه چرا و چگونه این افراد برای متحول ساختن جهان‌شان از عرصه خصوصی به عرصه عمومی پا می‌گذارند. معمای محوری در تحلیل پدیده انقلاب است. این معما در تبیین انقلاب اسلامی نیز مدنظر بسیاری از تحلیل‌گران و نظریه‌پردازان قرار گرفته است. در پاسخ به این معما دو رویکرد یا روایت علی و تفهیمی شکل گرفته است.

در چارچوب روایت علی از انقلاب اسلامی، می‌توان پنج چشم‌انداز یا تبیین کلی شامل تبیین فرهنگی، تبیین اجتماعی-اقتصادی، تبیین روانشناختی اجتماعی، تبیین سیاسی و تبیین چندسببی را مشاهده کرد. در بین این تبیین‌ها، تبیین فرهنگی بیش از همه به روایت تفهیمی نزدیک می‌شود. در این چارچوب، اندیشمندانی مانند حامد الگار و آصف حسین معتقدند برای درک پدیده انقلاب ایران

(یکپارچگی) و ظرفیت نظام سیاسی برای مدیریت دفاع ملی (توان سیاست‌سازی) می‌شود و به شیوه این مدیریت باز نمی‌گردد. با استناد به رویکرد آزر و مون می‌توان «سیاست‌سازی» یا در واقع، «سیاست‌گذاری» را شیوه مورد تأکید آنها برای مدیریت نرم امنیت ملی دانست که بیان آنها، شامل گزینش و تصریح سیاست‌ها از جمله سیاست‌های دفاعی، خارجی و عمومی، کنترل، تخصیص و بسیج منابع و توانایی‌ها و به انجام رساندن آنها می‌شود. آنها برای تجویز این رویکرد به کشورهای جهان سوم، معتقدند در این کشورها که محیط امنیتی‌شان عمدتاً بی‌ثبات و متغیر است و تهیه سخت‌افزار دشوار می‌باشد. می‌بایست به ارتقاء توان سیاسی موثر و مناسب برای به اجراء گذاشتن کلیه امور امنیتی به مثابه امری حیاتی، اهتمام ورزید.

به هنگام آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه کشور-مان در شهریور ۱۳۵۹، نظام جمهوری اسلامی که برآمده از یکی از مردمی‌ترین انقلاب‌های قرن بیستم بود، از مشروعیتی عمیق و یکپارچگی اجتماعی بالایی سود می‌برد، اما در مقابل، به دلیل نوپایی و تخریب ساختارهای رژیم پیشین، دچار ضعف‌های سخت‌افزاری از جمله در تدارک قدرت نظامی و سیاست‌گذاری دفاعی بود و همین ویژگی‌ها بود که طمع صدام را برای تجاوز نظامی به خاک کشورمان برانگیخت. این روایت نوعی روایت علی از رابطه میان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی است که استفان والت به خوبی آن را در کتاب مشهور خود با عنوان انقلاب و جنگ تبیین کرده و در بخش چهارم آن به بررسی نسبت جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی در ایران می‌پردازد.

سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و مواجهه جغرافیایی مجاور دشمن دیرینه به نحو احسن شدند. جنگ ۸ ساله که با تحریک و حمایت همه‌جانبه قدرت‌های جهانی و با حمایت‌های هم‌پیمانان منطقه‌ای و فرامنطقه، توسط رژیم بعثی عراق بر مردم ایران تحمیل شد، تنها محدود به خطوط مقدم جبهه‌ها نبود، بلکه تمام سرزمین اسلامی ما امم از شهرها و روستاها را در بر گرفت.

نقش امام به عنوان مدیر بحران بین‌الملل بویژه در جنگ تحمیلی، در امور رهبری و فرماندهی عالی جنگ قاطعانه گره‌های کور و بن‌بست‌های ایجاد شده در برنامه‌ریزی‌های رزمی و نظامی را باز می‌کرد. از مهمترین آنها در عزل بنی‌صدر نخستین رئیس‌جمهور اسلامی و فرمانده کل قوا بود و فرمان شکست حصر آبادان، آزادسازی سوسنگرد و ... می‌توان نام برد بررسی تحلیلی و تاریخی نقش امام خمینی، با توان کشف واقعیت‌ها، توانایی رهبری در هدف‌گذاری و وادارسازی و بهره‌برداری از منابع را در جهت اهداف جنگ و در مهار، تبدیل بحران منطقه‌ای به بین‌المللی تبیین نمود. ایشان دارای ویژگی‌های فوق‌العاده که در آن الگوهای تصمیم‌گیری موجود بوسیله وضعیت اضطراری را در هم می‌شکند. و در نتیجه ضعف نهادهای تصمیم‌ساز و مجریان، و سیگنال‌های که از محیط دریافت می‌نمود و براساس تئوری‌های سازه‌انگاران و لیبرالیسم که به نقش رهبران بیشتر از دولت‌ها قائل به اتخاذ تدابیر استراتژیک می‌باشند در همین راستای، و با در نظر گرفتن سایر مولفه‌های موثر، منافع کشور را تأمین و جنگ را اداره کردند. که این نقش مدیریتی امام حاصل سیاست‌گذاری مبتنی

باید به عناصری چون تشیع، نقش اپوزیسیون اسلام‌گرا، رهبری دینی و آموزشی مذهبی اشاره کرد. این تحلیل‌ها بیشتر تلاش در جهت درک انقلاب اسلامی است تا تحلیل علی آن (جکسون و سورئون، ۱۳۹۱: ۲۹۷-۲۹۶)، در عین حال، تبیین فرهنگی نیز در تحلیل نهایی، نوعی روایت علی است و به ریشه‌های فرهنگی انقلاب اسلامی می‌پردازد.

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند که «ملت ایران در این رویداد، در واقع یداله بودند و این خداوند بود که این کار را کرد در آن تحول، همه‌تان تقریباً همه آنهایی که در میدان وارد بودند. زن‌ها، مردها، بچه‌ها، بزرگ‌ها، زن‌ها با بچه‌های کوچکی که در آغوش‌شان بود، در آن حال، ابدأ شبه شیطانی نبود، هیچ آمل شیطانی در آن نبود. آن حالتان را به یاد بیاورید، آن حالی که پشت بام‌ها می‌رفتید و اله‌اکبر می‌گفتید و شیاطین در اطراف بودند که شما را نشانه بگیرند. با آنهایی که از خدا نمی‌ترسیدند و شما را زیر تانک می‌خواستند بگیرند. آن حالتان را یاد بیاورید. آن حال، حالی است که ولی شما خدا بود، یعنی همه چیزتان الهی بود، همه حرکت، حرکت الهی بود، اینها یداله بودند، یداله مع الجماعه» (موسوی خمینی (ج)، پیشین: ۳۵۶).

نتیجه‌گیری

نقش امام خمینی بعنوان مدیر بحران‌های بین‌الملل و دارای شخصیت منحصر به فرد و کارزمایی با هوشمندی و اعتماد به نفس و با استعانت از قدرت بی‌منتهای الهی و با پشتیبانی مردم متدین موفق به اداره یک کشور انقلابی به مثابه موجود سیاسی جوان یا جدید با مشخصه‌های بارز بی‌ثباتی داخلی ناشی از فروپاشی رژیم قبلی به لحاظ



جنگ دوم جهانی به نحو مطلوب مدیریت نمودند. به لحاظ نظری، انقلاب اسلامی، اساس نظم بین‌المللی را که پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفته بود، زیر سوال برد. نظمی که به دلیل وجود سلطه دو ابرقدرت جهانی در روابط بین‌المللی، پذیرفته شده بود. رهبر تاریخ‌ساز انقلابی را بنیان نهاد که از دل بحران‌ها بسان تیغی دو لبه همزمان علیه کاپیتالیسم و کمونیسم به کار گرفته شد بطوریکه آن دو ابر قدرت برای مهار آن با تحمیل جنگ اتفاق نظر داشتند.

فهرست منابع

- ۱- اسپوزیتو، جانال (۱۳۸۶)، **انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن**، مترجم: محسن شانه‌چی، تهران: انتشارات باز.
- ۲- استراوس، آنسلیم و کریین، جولیت (۱۳۹۲)، **مبانی پژوهش کیفی**، مترجم: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- ۳- برچر، مایکل (۱۳۸۲)، **بحران در سیاست جهان**، مترجم: حیدرعلی بلوچی، ج ۲، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴- جکسون، رابرت و سورئون، گئورک (۱۳۹۱)، **درآمدی بر روابط بین‌الملل**، مترجم: مهدی ذاکریان و دیگران، تهران: انتشارات میزان.
- ۵- حاجتی، احمدرضا (۱۳۸۲)، **عصر امام‌خمينی**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۶- حسین‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۹)، **اقتصاد سیاسی نظامی‌گری آمریکا**، تهران: نشر نی.
- ۷- دلاور، علی (۱۳۸۵)، **مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی**، تهران: انتشارات رشد.
- ۸- دوانی، علی (۱۳۷۹)، **راه انقلاب**، تهران: شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی.

بر پیش‌بینی، پیشگیری، مداخله و با تدبیر استراتژیک و با بهره‌گیری از تکنیک‌های روانی، چانه‌زنی، برقراری ارتباط آشکار و پنهان و یا تلفیقی از هر دو با بازیگران دیگر، از جمله عوامل اصلی توانایی برای ارزیابی عواقب اقدامات در دستور کار و انتخاب بین گزینه‌ها به صورت عقلانی در حد مطلق‌انگارانه و براساس چگونگی درک از خطر و ضرورت اقدام به موقع و عاجل را در اهداف غایی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی را هدایت نمودند امام‌خمينی بعنوان رهبر کاریزمایی جمهوری اسلامی ایران همواره عمل به ادای تکلیف الهی و توجه به تعهدات و موازین بین‌الملل و در عین حال، راسخ خلل‌ناپذیر به اصول و احترام به یک سلسله وظایف شرعی و ارزش محور، برخوردار از رفتار مناسب در محیط اجتماعی و هنجارهای مشترک و مهم، جنگ ۸ ساله تحمیلی ناشی از انقلاب اسلامی را به نحو مطلوب مدیریت نمایند. به اعتقاد امام همه توطئه‌های قدرت‌های جهانی علیه ما از جمله جنگ تحمیلی و سایر بحران‌ها برای این بوده است که ما نگوئیم اسلام جوابگوی جامعه است و الگو بودن برای سایر ملل و به خصوص برای جهان سوم و پیرامونی را برای ابرقدرت‌ها بی‌سابقه و غیرقابل تحمل می‌نمود. این پژوهش به جهت بازبینی و بازیابی راهکارهای مدیریت امام جهت آمادگی فکری و نظری در برابر هجوم دشمنان در دوران حاضر می‌تواند چراغ راهی برای محققان آینده باشد. امام با اتخاذ تدابیر استراتژیک و مدیریت صحیح معطوف به تصمیم‌گیری فوق‌العاده که در آن از الگوهای تصمیم‌گیری متعارف و قابل پیش‌بینی خبری نیست می‌نگریست و با انتخاب عقلایی در حد مطلق‌انگارانه طولانی‌ترین جنگ کلاسیک را بعد از



- ۹- سیلورمن، دیوید (۱۳۷۹)، روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات تبیان.
- ۱۰- فولر، گراهان (۱۳۸۷)، *قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران*، مترجم: عباس مخبر، تهران: انتشارات مرکز.
- ۱۱- کدی، نیکی‌ار (۱۳۸۳)، *نتایج انقلاب ایران*، مترجم: مهدی حقیقت‌خواه، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۱۲- موسوی خمینی (الف)، روح‌اله (۱۳۶۱)، *صحیفه نور*، ج ۱۷، تهران: انتشارات ارشاد.
- ۱۳- موسوی خمینی (ب)، روح‌اله (۱۳۶۲)، *صحیفه نور*، ج ۱۸، تهران: انتشارات ارشاد.
- ۱۴- موسوی خمینی (ج)، روح‌اله (۱۳۶۳)، *صحیفه نور*، ج ۱۹، تهران: انتشارات ارشاد.
- ۱۵- موسوی خمینی (د)، روح‌اله (۱۳۶۴)، *صحیفه نور*، ج ۲۰، تهران: انتشارات ارشاد.
- ۱۶- مهدی‌زاده، اکبر (۱۳۸۹)، «مقدمه‌ای بر الگوی مدیریت جنگ توسط امام خمینی».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی